

امنیت فرهنگی در جامعه اسلامی از منظر نهج البلاغه*

□ مجید بابالیان^۱

□ علیرضا رادبین^۲

چکیده

در این مقاله یکی از ابعاد امنیت ملی، با عنوان امنیت فرهنگی از منظر نهج البلاغه، مورد کنکاش علمی قرار گرفته است. امنیت فرهنگی در حقیقت حفظ سنت‌ها و ارزش‌ها و آداب و رسوم و هویت ملی می‌باشد. هدف از این نگارش بررسی زمینه‌های ایجاد امنیت فرهنگی در جامعه و آسیب‌شناسی آن از دیدگاه فرمایشات امام علی (علیه السلام) در نهج البلاغه می‌باشد. با بررسی موضوعی نهج البلاغه و نیز کتاب‌ها و مقالاتی که در زمینه ابعاد مختلف امنیت، خصوصاً امنیت فرهنگی تدوین شده، مهم‌ترین عوامل برقراری امنیت فرهنگی به شرح ذیل است:

افزایش آگاهی و بصیرت، ایمان و دین باوری، گسترش امر به معروف و نهی از منکر، تولی و تبری، الگوسازی صحیح و فرهنگ علوی، پاسداشت سنت‌های صحیح گذشتگان، مصون سازی از طریق تقویت نهاد خانواده و گسترش ازدواج و خود باوری و برقراری عدالت و جلوگیری از فقر و

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۹/۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۶/۳۱.

۱. کارشناس ارشد علوم قرآن و حدیث - مدرس دانشگاه آزاد واحد آبدانان (نویسنده مسؤول) majbabar@yahoo.com

۲. دانشیار دانشگاه ایلام

بی‌کاری در جامعه.

مهم‌ترین موانع امنیت فرهنگی به شرح ذیل است:
ایجاد تردید و شبهه در نظام فرهنگی، تهاجم فرهنگی، التقاط، عدم شایستگی
سران حکومت‌ها و رفاه‌طلبی و دنیازدگی. عمل به این فرامین امیر مؤمنان علیه السلام
بی‌تردید جامعه را در مقابل شیخون فرهنگی، که از دیدگاه مقام معظم
رهبری امروزه یکی از حربه‌های دشمنان اسلام برای ساقط نمودن نظام است،
محافظت می‌نماید.

واژگان کلیدی: امنیت، فرهنگ، تهاجم فرهنگی، مقاومت فرهنگی.

مقدمه

امنیت از بالاترین ارزش‌های هر ملت و کشوری به شمار می‌رود، زیرا بدون
تأمین امنیت ملی سایر ارزش‌ها و منافع ملی تحقق نمی‌یابد. از این رو، اولویت و
هدف نخست کشورها و دولت‌ها تأمین این ارزش حیاتی است.

تفاوت این مقاله با تحقیقات دیگر در این است که تاکنون مقاله‌ای مستقل در
این موضوع از دیدگاه نهج‌البلاغه تدوین نشده و فقط موضوع کلی امنیت از
منظر نهج‌البلاغه مورد کنکاش علمی قرار گرفته است. در این مقاله سعی می‌شود
تا زمینه‌های ایجاد امنیت فرهنگی از منظر نهج‌البلاغه مورد بحث و بررسی قرار
گیرد. از این رو هدف، پاسخ‌گویی به این پرسش اساسی است که مهم‌ترین
زمینه‌های ایجاد امنیت فرهنگی کدامند و با چه تهدیدهایی روبروست. جهت
پاسخ‌گویی به این سؤال اصلی، نخست دو مفهوم امنیت ملی و فرهنگ تعریف و
تبیین می‌گردد. بدون تعریف و تحلیل این دو مفهوم امکان توضیح امنیت
فرهنگی وجود ندارد.

تعریف امنیت (Security)

«در لغت حالت فراغت از هر گونه تهدید یا حمله و یا آمادگی برای رویارویی با
هر تهدید و حمله را گویند. در اصطلاح سیاسی و حقوقی به صورت امنیت
فردی، امنیت اجتماعی، امنیت ملی و بین‌المللی به کار برده می‌شود» (آشوری،
بی‌تا، ص ۳۸).

«والتر لیپمن» محقق و نویسنده آمریکایی، از نخستین کسانی است که مفهوم امنیت ملی را به روشنی تعریف کرد: «یک ملت وقتی دارای امنیت است که در صورت اجتناب از جنگ بتواند ارزش‌های اساسی خود را حفظ کند و در صورت اقدام به جنگ، بتواند آن را به پیش ببرد» (محمدی، ۱۳۸۱).

«آنچه که امروز در مباحث سیاسی، خصوصاً در مباحث سیاست خارجی، بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد، مفهوم امنیت ملی «National security» است، نه فقط «امنیت» تنها. امنیت ملی از مفاهیمی است که عمر چندانی در مباحث سیاسی ندارد. ریشه آن به انقلاب کبیر فرانسه برمی‌گردد؛ زمانی که برای اولین بار واژه‌هایی همچون «ملی» و «ملیت» خلق شد و دارای تعاریف و محدوده‌های خاصی گشتند» (ولی‌پور زرومی، ۱۳۷۶).

با این حال، تلقی‌ها و تعاریف مختلفی از محتوا و ماهیت امنیت ملی وجود دارد. برخی دیدگاه‌های سنتی محور امنیت ملی را تنها در بعد نظامی محدود و منحصر می‌دانند. به گونه‌ای که امنیت ملی را در نبود تهدیدهای نظامی علیه حاکمیت و تمامیت ارضی کشور تعریف می‌کنند. در این معنا، امنیت ملی مترادف قدرت نظامی تصور می‌شود. لذا، در صورت برخورداری کشور از قدرت نظامی کافی امنیت ملی آن نیز تأمین خواهد شد. بنابراین، مهم‌ترین وظیفه دولت انباشتن و اندوختن حداکثر قدرت نظامی برای مقابله با تهدیدهای نظامی خارجی است. واقعیت‌های جهان امروز نشان می‌دهد که این تعریف سلبی و یک بعدی از امنیت ملی واقع‌بینانه نیست. چون اولاً، امنیت ملی تنها به امنیت نظامی محدود نمی‌شود، بلکه علاوه بر این، امنیت ملی شامل ابعاد دیگر اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و زیست محیطی نیز می‌شود. ثانیاً، تهدیدها نیز صرفاً سخت افزاری و نظامی نیست، به طوری که تهدیدهای غیر نظامی نرم نیز ابعاد مختلف امنیت ملی را در معرض خطر قرار می‌دهند. ثالثاً، منشأ تهدیدها صرفاً محیط خارجی نیست، بلکه بسیاری از آنها نشأت گرفته از داخل و آسیب‌پذیری‌های داخلی است. رابعاً، امنیت تنها بر حسب نبود تهدید تعریف و تأمین نمی‌شود، بلکه افزون بر این، امنیت ملی مستلزم وجود شرایط مناسب و مساعد برای رشد و

توسعه ارزش‌های ملی نیز می‌باشد. از این رو، ممکن است حتی در صورت فقدان تهدیدها نیز امنیت ملی به معنای ایجابی تحقق نیابد. تا امروز مفهوم امنیت دچار تحولات مختلفی شده است که طرح آن در این مقاله نمی‌گنجد.

فرهنگ (Culture)

هیچ یک از دایرةالمعارف‌ها و کتاب‌های لغت، تعریف خاص و مشخصی درباره ماهیت فرهنگ نکرده‌اند. این سکوت نه از آن جهت است که صاحب‌نظران برای شناخت ماهیت فرهنگ، اهمیتی قایل نبوده‌اند، بلکه عمدتاً ناشی از تنوع شدید عناصر و پدیده‌های فرهنگ است که پیدا کردن جامع مشترک ثابت میان آنها دشوار است. ممکن است مسامحه درباره پیدا کردن یک تعریف جامع، معلول بی‌اعتنایی بعضی از بررسی‌کنندگان مفهوم فرهنگ، به معانی ماورای طبیعی و روحی آن باشد که متأسفانه، دامن‌گیر بعضی از اشخاص شده است (جعفری، ۱۳۸۶، ص ۲۷).

تعریف فرهنگ در دایرةالمعارف فارسی: در دایرةالمعارف فارسی چنین آمده: «فرهنگ در مردم‌شناسی، راه و رسم زندگی یک جامعه است» (جعفری، ۱۳۸۶، ص ۲۴).

تعریف فرهنگ در متون ادبی فارسی فرهنگ: در میان متون ادبی فارسی برای این کلمه به معانی مختلفی از جمله تربیت، ادب و خرد اشاره شده است. همچنین به مجموعه ارزش‌های پذیرفته شده در میان یک قوم نیز اطلاق شده است. فرهنگ را روح و باطن تمدن نیز گفته‌اند همان که دورنمای هر تمدن را می‌سازد (میرزایی، بی‌تا، صص ۴۲ و ۴۳).

جوهره فرهنگ را هویت شکل می‌دهد و زمانی که باورها، ارزش‌ها و هنجارهای جامعه‌ای دگرگون می‌شوند، هویت چنین جوامعی نیز متحول می‌گردد. با این توصیف می‌توان گفت: ابعاد تهدید نرم در حوزه فرهنگ که بقای مرجع تهدید را مورد تهدید قرار می‌دهد، به مفهوم تهدید باورهای (مفروضات اساسی) کشور در سطوح نخبگان، مردم و نیروهای مسلح است

(باقری، ۱۳۸۸، ص ۶۳).

﴿۲۵﴾

فرهنگ، عناصر و اجزای آن، شامل اعتقادات، باورها و ارزش‌ها، از جمله مؤلفه‌های تحکیم وحدت ملی است، به طوری که پیچیده‌ترین و مهم‌ترین مؤلفه امنیت ملی در هر کشور، امنیت فرهنگی است. برای کشورهایی مانند جمهوری اسلامی ایران، که هویت ایرانی - اسلامی به عنوان یکی از منابع قدرت نرم آن محسوب می‌شود، توجه به مؤلفه هویت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به همین دلیل بخشی از جنگ نرم مخالفان نظام به سمت تخطئه مبانی فکری، اعتقادی و ارزشی جمهوری اسلامی ایران متمرکز شده است.

امنیت فرهنگی

براساس تلاقی و تلفیق دو مفهوم امنیت ملی و فرهنگ، امنیت فرهنگی را این گونه می‌توان تعریف کرد: توانایی ملت و نظام در حفظ و تداوم ماهیت و هویت گوهری خود تحت شرایط متغیر و متحول و وجود تهدیدهای ممکن و احتمالی و یا واقعی. به بیان دقیق‌تر، امنیت فرهنگی عبارت است از: تداوم و ماندگاری الگوهای سنتی زبان، آداب و رسوم، باورها، سنت‌ها، استمرار شیوه زندگی مرسوم و معمول یا سبک ملی، و حفظ و بقاء هویت ملت و نظام تحت شرایط مقبول برای تحول و تکامل اجتماعی و فرهنگی.

به لحاظ نقشی که فرهنگ در هویت و موجودیت انسان و پیشرفت جوامع بشری دارد، همچنین به علت نفوذ گسترده فرهنگ بر همه ابعاد زندگی بشر و نیز تأثیری که مسائل بر سایر ابعاد امنیت دارد، تأمین امنیت فرهنگی موقعیت و حساسیت بیشتری دارد.

هیچ جامعه‌ای بدون داشتن امنیت فرهنگی به امنیت پایدار سیاسی و اجتماعی نمی‌رسد. در حقیقت ارتقاء فرهنگی موجب افزایش امنیت اجتماعی و با افزایش امنیت اجتماعی، موجبات امنیت اقتصادی و فرهنگی فراهم می‌شود. از طرفی دیگر دستیابی به امنیت ملی زمانی است که امنیت تک تک افراد جامعه تضمین شود و نخستین گام در جهت تأمین امنیت افراد تأمین امنیت فرهنگی و

روانی است.

این بعد از امنیت ملی ماهیتی نرم دارد و از سوی تهدیدهای نرم نیز در معرض خطر قرار می‌گیرد. در نتیجه امنیت فرهنگی نیز از طریق ساز و کارها و ابزار نرم افزاری قابل تحقق است که در سیاست‌گذاری امنیتی باید مورد توجه و تأکید قرار گیرد. به گونه‌ای که به کارگیری ابزار و ساز و کارهای نظامی و سخت افزاری برای تأمین و تثبیت امنیت فرهنگی، نه تنها قرین موفقیت نبوده، بلکه نتیجه عکس خواهد داد.

در جامعه‌ای همانند جامعه ما که به تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی: «به طبیعت فرهنگی است... چون یک جامعه مذهبی و دینی است، زیرا اهداف دین اهداف فرهنگی معنوی است» (سخنان مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵، ص ۲۸۵).

باید با تکیه بر معیارها و ملاک‌های مورد قبول چنین جامعه‌ای «امنیت فرهنگی» را تأمین کرد.

در کتاب شریف نهج البلاغه دستورالعمل‌ها و معیارهایی وجود دارد که مولایمان علی علیه السلام آنها را برای سعادت‌مندی بشر در پرتو تأمین امنیت فرهنگی افراد بیان فرموده است. درست است که در کتاب شریف نهج البلاغه صحبت مستقیمی از امنیت فرهنگی نشده است، لیکن با توجه به تعریف امنیت فرهنگی، تمام مطالبی که در نهج البلاغه منجر به حفظ ارزش‌ها و سنت‌ها و آداب و رسوم و هویت ملی می‌شود در این مقاله ذکر شده است و در ادامه هر آفتی که موجب خدشه‌دار شدن فرهنگ و ارزش‌ها می‌شود اشاره شده است.

شیوه کنکاش علمی به این صورت بوده که ابتدا کتب و مقالات مربوط به امنیت بالأخص امنیت فرهنگی مطالعه شده و راه‌های برقراری امنیت فرهنگی و آسیب‌شناسی آن استخراج شده، سپس با توجه به این پیش‌فرض‌ها به جستجوی موضوعی نهج البلاغه پرداخته‌ایم و هر فرموده‌ای از امام علیه السلام، که به صورت عمده باعث حفظ و ارتقاء سنت‌ها و ارزش‌ها و آداب و رسوم در جامعه می‌شود، در این مقاله ذکر شده است.

نکته دیگر در این بحث، ارتباط بین راه کارهای بحث شده با عنوان مقاله می باشد. به این مطلب باید توجه نمود که ارزش ها و آداب و رسوم و اعتقادات در هر جامعه ای متفاوت می باشد، لذا راه کارهای تأمین امنیت فرهنگی نیز در بعضی موارد متفاوت خواهد بود. بنابراین اصولی که مطرح خواهد شد عواملی است که باعث ارتقاء امنیت فرهنگی در جامعه اسلامی می شود. البته باید توجه نمود امنیت فرهنگ در کشور در صورتی تحقق می یابد که هم مردم به این اصول پای بند باشند و هم کارگزاران در برنامه ریزی ها و سیاست گذاری ها و جهت گیری ها این عوامل را به کار گیرند.

اینک با توجه به مطالب فوق روش های تأمین امنیت فرهنگی را در جامعه و با تکیه بر راه کارهای امیر مؤمنان علیه السلام دنبال می کنیم.

راه های تأمین امنیت فرهنگی

۱. افزایش آگاهی و بصیرت و فرهنگ سازی در جامعه

از نخستین گام ها در جهت تأمین امنیت فرهنگی، تقویت بنیان های فکری و فرهنگی است، یعنی امنیت فرهنگی در جامعه فراهم نمی شود، مگر این که آگاهی ها افزایش یابد و انسان ها از چنان رشد و بینشی برخوردار شوند که موج های مخرب فرهنگی قادر به تشویش ارزش ها و سنت ها نباشد.

در تعبیر زیبایی از حضرت علی علیه السلام، ایشان نقش آگاهی و دانش را نقش تأمینی می داند و می فرماید:

«العلم یحرسک» (سید رضی، ۱۳۸۰، حکمت ۱۴۷، ص ۶۶۰)؛ علم تو را پاسداری می کند.

به راستی آگاهی و دانش انسان را از گزند شبهات و تردیدها محافظت می کند. از این رو است که امام صادق علیه السلام در این مورد می فرماید:

«العالم بزمانه لا تهجم علیه اللوایس» (مجلسی، ج ۷۵، ص ۲۶۹، ح ۱۰۹)؛ کسی که عالم به زمان خود باشد شبهات بر وی هجوم نمی آورند.

لذا باید برای ایجاد امنیت فرهنگی، از همان دوران کودکی و نوجوانی با

ارائه تعالیم صحیح، از تأثیر گذاری منحرفان بر آنها جلوگیری کرد و با فرهنگ سازی و ارتقاء بصیرت، آنان را از گزند شبهات مصونیت بخشید. چنانچه مولایمان علی علیه السلام در این مورد فرمود:

«علموا صبیانکم ما ینفعهم الله به لا تغلب المرجئه برأیها» (مجلسی، ج ۲، ص ۱۷)؛ به کودکان خود مطالبی بیاموزید که خداوند آن را سودمند قرار داده است تا آنان را با افکار باطل خود گمراه نکنند.

از این رو همواره امام علی علیه السلام با آگاهی دادن مردم از مقاصد دشمن و نیز ابزار و مصادیق آن زمینه های امنیت فرهنگی آنان را فراهم می آورد. ایشان از جمله راه های کسب آگاهی و بصیرت را تفکر و عبرت آموزی دانسته و در کتاب نورانی نهج البلاغه می فرماید:

«اگر از آنچه گذشته عبرت گیری آنچه را که باقی مانده می توانی حفظ کنی» (سید رضی، همان، نامه ۴۹، ص ۵۶۱).

به عنوان مثال یکی از مصادیق عبرت آموزی مسأله استحاله فرهنگی مسلمانان اندلس (اسپانیای فعلی) می باشد، لذا مسلمانان می توانند با عبرت آموزی از تاریخ گذشتگان موجب افزایش آگاهی و بصیرت خود و در نتیجه قوام فرهنگی جامعه شده و به فرموده امام علیه السلام موجب حفظ آنچه باقی مانده می شود.

بحث دیگر در این باب این است که برخی از دست اندرکاران عرصه های علوم اجتماعی بر این باورند که امنیت فرهنگی را باید از طریق غیر فرهنگی، مانند شلاق، زندان و مجازات های فیزیکی و مالی به دست آورد. دارندگان چنین تفکری یا از فرهنگ و مسائل فرهنگی بی اطلاع هستند و یا بینش پلیسی حاکم بر آنها، ذهن و فکرشان را چنان به خود مشغول ساخته که امکان اندیشیدن به شیوه های دیگر را ندارند. امنیت فرهنگی جز از طریق تحکیم بنیان های فرهنگی و تقویت و گسترش ابزار فرهنگی تأمین نخواهد شد، لذا در برابر به خطر افتادن امنیت فرهنگی باید با روش ها و استفاده از ابزار فرهنگی به مقابله پرداخت. حضرت علی علیه السلام فرمود:

«إِنَّ الْعَاقِلَ يَتَعَطَّى بِالْأَدَبِ وَالْبَهَائِمُ لَا يَتَعَطَّى إِلَّا بِالضَّرْبِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۷۸،

ص ۲۴۵).

انسان، با روش‌های مؤدبانه پندپذیر تربیت می‌شود، این چهارپایان هستند که تنها با زدن تربیت می‌شوند. رهبر اندیشور انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای (علیه‌السلام)، در این مورد می‌گویند:

«مقوله فرهنگ، مقوله چوب و چماق نیست. مقوله فرهنگ با مقوله میدان جنگ فرق دارد، هر میدانی ابزار و سلاح خودش را می‌طلبد» (سخنان مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵، ص ۱۵).

ایشان در جای دیگر می‌فرماید:

«نبرد فرهنگی را با مقابله به مثل می‌شود پاسخ داد، کار فرهنگی و هجوم فرهنگی را با تفنگ نمی‌شود جواب داد، این جا تفنگ قلم است» (سخنان مقام معظم رهبری، ۱۳۷۵، ص ۱۶).

۲. دین باوری و ایمان

از دیگر عوامل بسیار مؤثر در ایجاد و تأمین امنیت فرهنگی دین باوری و ایمان و اعتقاد به حقانیت تعالیم آسمانی است. دین باوران به خاطر این که به منبع لایزال قدرت الهی، پیوند می‌خورده و خود را در پناه قدرت مطلق جهان می‌دانند از آرامش و اطمینان بالایی برخوردارند. امام علی (علیه‌السلام) نقش ایمان و یاد خدا را چنین ترسیم می‌کند:

«ان اوحشتهم الغربه آنسهم ذکرک» (سید رضی، همان، خطبه ۲۲۷، ص ۴۶۴)؛ اگر تنهایی و غربت به وحشتشان اندازد یاد تو آرامشان کند. در جای دیگر مولای متقیان علی (علیه‌السلام) نقش دین در ایجاد امنیت را یادآور شده و می‌فرماید:

«ان مفارقة الدين مفارقة الأمن، فلا تنها بحياة مع مخافة» (مجلسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۱۳؛ ج ۴۹، ص ۱۲۷)؛ همانا بی‌دینی مایه ناامنی است و در زندگی بدون امنیت خوشی وجود ندارد.

بی‌شک این ناامنی شامل ابعاد مختلف امنیت، از جمله بعد امنیت فرهنگی

می‌شود. شخص بی‌دین و بی‌ایمان خود را ملزم به رعایت ارزش‌ها و سنت‌ها نمی‌داند، لذا به شدت پایه‌های فرهنگی چنین جامعه‌ای سست است. بر همین اساس است که حضرت رضا (علیه السلام) اعتقاد به خدا را به قلعه‌ای محکم در برابر تهدیدات و آسیب‌ها و هجمه‌های بیگانگان دانست و در برابر هزاران نفر از مردم نیشابور، از اجداد طاهرینش و از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) و ایشان نیز از جبرئیل امین نقل می‌کند که خداوند عز و جل فرمود:

«کَلِمَةُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حَصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي» (مجلسی، همان، ج ۳، ص ۱۳؛ ج ۴۹، ص ۱۲۷)؛ ایمان و اعتقاد به این که جز «الله» خدایی نیست، دژ محکم من است پس هر کس در این دژ وارد شود از عذاب من در امنیت است. هرگاه انسان در یکی از مسائل زندگی، احساس ناامنی کند مضطرب و نگران می‌شود و اصولاً چنان که گفته‌اند ناامنی چیزی جز اضطراب، دلهره و نگرانی نیست و لذا برای زدودن نگرانی‌ها و ناامنی‌ها، به ویژه در حوزه فرهنگ، باید ایمان انسان‌ها را که بر مبنای تعالیم دینی شکل می‌گیرند تقویت کرد:

﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ (احقاف/۴۶)؛ آنان که گفتند خدای جهان آفرین پروردگار ماست و بر گفته‌ی خویش پایدار و ثابت ماندند، هرگز دچار وحشت و اندوه نمی‌شوند.

۳. امر به معروف و نهی از منکر

برای پاسداری از سنت‌ها و ارزش‌های موجود جامعه و نگهبانی از سلامت فعالیت‌ها، شیوه‌های مختلفی را پیشنهاد کرده‌اند که هر کدام از آنها، در جای خود می‌تواند مورد بحث و بررسی قرار بگیرد، ولی یکی از راه‌های بسیار مؤثر که در جهت سالم سازی فضای جامعه و ایجاد امنیت، نقش کارساز و غیرقابل انکار دارد «نظارت» است.

از نگاه اسلام، ترک امر به معروف، نه تنها ترک واجبی از واجبات الهی محسوب می‌شود و از گناهان بزرگ به شمار می‌آید، بلکه آثار و تبعات فراوان اجتماعی دیگری را نیز به دنبال دارد که یکی از آن آثار، تسلط اشرار بر مردم و

از میان رفتن امنیت و آرامش است.

امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود:

(۳۱)

«لا تتركوا الامر بالمعروف والنهي عن المنكر فيولى عليكم شراركم ثم تدعون فلا يستجاب لكم» (سید رضی، همان، نامه ۴۷)؛ امر به معروف و نهی از منکر را ترک نکنید که اگر چنین شود اشرار بر شما مسلط خواهند شد و آن گاه برای رفع آنها به دعا و استعاذه خواهید پرداخت ولی (در پیشگاه خداوند این گونه نیایش‌ها) مستجاب نخواهد شد.

بنابراین بی توجهی به این فریضه الهی موجب ولایت و چیرگی فاسقان در جامعه خواهد شد و ارزش‌ها و سنت‌های پسندیده جای خود را به رذایل و بی‌هویتی‌ها خواهد داد.

علی علیه السلام در نهج البلاغه امر به معروف و نهی از منکر را سبب رهایی از آلودگی و راه رستگاری دانسته و رها کنندگان آن را مرده‌ای میان مردگان تعبیر نموده است (سید رضی، همان، حکمت ۳۷۳ و ۳۷۴).

ایشان همچنین فرموده:

«هر کس به معروف امر کرد، پشتوانه نیرومند مؤمنان است و آن کسی که از زشتی‌ها نهی کرد بینی منافقان را به خاک مالید» (سید رضی، حکمت ۳۱، ۶۳۱).
از این بیان مولای متقیان علیه السلام چنین استنباط می‌شود که امر به معروف و نهی از منکر موجب نوعی مصونیت از استحاله فرهنگی و نیز موجب ناامیدی دشمنان می‌شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای پاسداری از سلامت جامعه و جلوگیری از هرگونه فساد و انحراف، قانون امر به معروف و نهی از منکر را تشریع کرده و از این طریق نظارت همگانی را در جامعه اسلامی خواستار شده است:

«کلکم راع و کلکم مسؤول» (مجلسی، ۱۳۷۲، ج ۷۲، ص ۳۸)؛ همه شما نگهبان و مسؤول یکدیگر هستید.

امام باقر علیه السلام نیز در این مورد فرمود:

«ان الامر بالمعروف و النہی عن المنکر سبیل الأنبیاء ...، بها تقام الفرائض و تأمن المذاهب» (حر عاملی، بی تا، ج ۱۱، ص ۳۹۵).

از این بیان فهمیده می‌شود که امر به معروف و نهی از منکر راه و روش پیامبران است، که به وسیله آن واجبات اقامه می‌شود و امنیت فرهنگی و اجتماعی در پرتو آن تأمین می‌شود.

مقام معظم رهبری (مدله) در اشاره به اهمیت این موضوع و نقش تأمینی آن می‌فرماید:

«مسأله امر به معروف تکلیف همیشگی مسلمان‌هاست، جامعه اسلامی به امر به معروف و نهی از منکر زنده می‌ماند، و قوام حکومت اسلامی به امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد» (مقام معظم رهبری، در دیدار علماء و روحانیون، ۷/۵/۷۱).

همچنین رهبر معظم انقلاب اسلامی حضرت آیت الله خامنه‌ای (مدله) در پیامی به مناسبت اولین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) فرمودند:

«امر به معروف و نهی از منکر که یکی از ارکان اساسی اسلام و ضامن برپا داشتن همه فرایض اسلامی است باید در جامعه ما احیا شود و هر فردی از مردم خود را در گسترش نیکی و صلاح و برچیده شدن زشتی و گمراهی و فساد مسؤول احساس کند» (فرهنگ و تهاجم فرهنگی، ص ۲۷۷).

۴. تولی و تبری

از مفاهیم سازنده و اصطلاحات ارزنده که در نظام تربیتی و سیاسی و نیز در حفظ و تأمین امنیت فرهنگی، آثار و نتایج فراوانی را به دنبال داشته، مفهوم «تولی» و «تبری» بوده است. در فرهنگ اسلامی تولی به معنای پذیرش ولایت خدا و اولیای خداست. به عبارت دیگر آنان که خانه دل را از محبت خدا و دوستان خدا انباشته‌اند و این دوستی را در رفتار اجتماعی و سیاسی خود منعکس می‌سازند تولی دارند.

تبری واژه متضاد تولی است که به معنای دوری جستن می‌باشد و در فرهنگ

سیاسی اسلام، کسی دارای تبری است که ولایت و سرپرستی دشمنان خدا و اولیای خدا را نپذیرد و قلب و فکر خود را از بغض و دشمنی نسبت به دشمنان خدا و دوستانش پر نموده باشد. حضرت علی علیه السلام در ترسیم خط تولی و تبری به فرزندانش امام حسن و امام حسین علیهما السلام می‌فرماید:

«کونا للظالم خصما و للمظلوم عونا» (سید رضی، همان، نامه ۴۷، ص ۵۵۹)؛ دشمن ستمگر و یاور ستم‌دیده باشید.

تولی و تبری در حقیقت یک نوع مصونیتی است که در رفتار، گفتار و پندار فرد ایجاد می‌کند و او در پناه چنین مصونیتی می‌تواند آرمان‌ها و اعتقادات خود را حفظ کرده و در حفاظتی از امنیت فرهنگی قرار بدهد، لذا در تاریخ زندگانی کسانی که از تولی و تبری بالایی برخوردار بوده‌اند ثبت نشده است که این دسته از انسان‌ها در دام تزویر دشمنان گرفتار آمده باشند. حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام در بیانی دیگر می‌فرماید:

«سزاوار نیست که مسلمان با فاجر برادری کند زیرا کارش را برایش زینت می‌دهد و دوست می‌دارد که مثل خودش باشد و در امر دنیا و معاد یاریش نمی‌کند» (کلینی، محمد، کافی، ج ۲، ص ۶۴۰).

دوستی با دشمنان خدا باعث می‌شود آنان فسق و فجور و بدعت‌ها و ضد ارزش‌ها را در جامعه ترویج دهند و مردم را مانند خود کنند. همچنان که امروزه دوستی با جهان غرب باعث شده فرهنگ غربی در جامعه نفوذ کرده و سنت‌های پسندیده جای خود را به بدعت‌ها داده است. خداوند سبحان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله را این طور معرفی می‌کند:

«محمد فرستاده خدا است و آنان که با او هستند به کافران سخت گیر و لیکن در میان خودشان (مؤمنان) مهربانند» (فتح/۴۸).

امیرمؤمنان علیه السلام نیز در باب ضرورت تولی و تبری، پیامبر صلی الله علیه و آله را به عنوان مصداق واقعی این امر بیان کرده و فرموده:

«چون دانست خدا چیزی را دشمن می‌دارد آن را دشمن داشت و چیزی را که خدا خوار شمرده آن را خوار نگاشت» (سید رضی، خطبه ۱۶۰، ص ۳۰۱).

تولی و تبری در عرصه سیاست، اعم از سیاست داخلی و خارجی یکی از مبانی و اصول رفتاری کارگزاران نظام اسلامی به شمار می‌آید و لذا جامعه اسلامی در ارتباطات، برنامه ریزی‌ها، جهت‌گیری‌ها براساس «تولی» و «تبری» اداره می‌شود.

۵. فرهنگ علوی و الگوسازی صحیح

در میان جوامع، مردمی که از قرن‌های پیشین دل به خاندان پیامبر ﷺ سپرده‌اند و از میان همه کاخ‌های پر هیمنه جهان، خانه گلین علی ﷺ و فاطمه ﷺ را انتخاب کرده‌اند، فرهنگ اهل بیت عصمت و طهارت ﷺ تأثیر بسیار بالایی در زندگی‌شان داشته است.

فرهنگ اهل بیت عصمت ﷺ، که از چشمه‌سار مکتب ولایت علوی می‌جوشد در طول زمان، بستر تاریخ را درنوردیده و از میان دشت‌ها و کوهستان‌های سلیقه و اندیشه‌ها عبور کرده و پیچ و خم‌های فتنه‌های فرهنگی و طوفان‌های شیطانی را پشت سر گذاشته و در مسیر خود جان‌های تشنه را سیراب کرده است، امروز نیز می‌تواند با همان قدرت و بلکه به سبب شرایط جهان، بالنده به پیش بتازد و جلوی هرگونه تهاجم فرهنگی را بگیرد. کافی است که فرهنگ اهل بیت ﷺ به عنوان فرهنگ برتر در جامعه اسلامی رواج پیدا کرده و در اعمال و کردار مردم و حاکمان دیده شود.

در نهج‌البلاغه، مولای متقیان، پیامبر اکرم ﷺ را به عنوان الگوی کامل معرفی نموده و فرموده است:

«خوشا به حال آن کسی که ... سنت پیامبر او را کفایت کرده و بدعتی در دین خدا نمی‌گذارد» (همان، حکمت ۱۲۳، ص ۶۵۳).

بی‌تردید هر انسانی که قرآن و سنت را الگوی خود قرار دهد و بدعت در آن نمی‌گذارد امنیت فرهنگی جامعه را تضمین می‌کند. در بیان دیگر امام علی ﷺ می‌فرماید:

«مردم، به اهل بیت پیامبرتان بنگرید، از آن سو که گام برمی‌دارند بروید، قدم

جای قدمشان بگذارید، آنها شما را هرگز از راه هدایت بیرون نمی‌برند و به پستی و هلاک باز نمی‌گردانند. اگر سکوت کردند سکوت کنید و اگر قیام کردند قیام کنید. از آنها پیشی نگیرید که گمراه می‌شوید و از آنها عقب ننمایید که نابود می‌گردید» (سید رضی، همان، خطبه ۹۵، ص ۱۸۱).

به راستی اگر این سخن مولایمان را آویزه گوشمان می‌کردیم و این چنین پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام را الگوی خود قرار می‌دادیم، هیچ گاه شیخون فرهنگی دشمنان به جایی نمی‌رسید و مقاومت و ایستادگی ما در برابر این تهدیدها افزون می‌شد.

۶. پاسداشت سنت‌های صحیح گذشتگان

اسلام که مخالف بدعت می‌باشد و سنت‌های زشت جاهلی را نفی می‌کند، در عین حال مدافع سنت‌های صحیح گذشتگان می‌باشد، زیرا حفظ سنت‌های نیکوی گذشتگان موجب حفظ اصالت و هویت و فرهنگ جامعه و باعث عدم نفوذ فرهنگ‌های بیگانه و موجب امنیت فرهنگی جامعه می‌شود. امام علیه‌السلام در نامه‌ای که به مالک اشتر برای فرمانداری مصر مرقوم فرمود، مالک را به حفظ آداب و رسوم پسندیده دعوت نموده و فرموده است:

«آداب پسندیده‌ای را که بزرگان این امت به آن عمل کردند و ملت اسلام با آن پیوند خورده و رعیت با آن اصلاح شدند برهم مزین» (همان، نامه ۵۳، ص ۵۷۳).

امام علی علیه‌السلام در بیان دیگر می‌فرماید:

«مقاربة الناس فی اخلاقهم أمن من غوائلهم» (همان، حکمت ۴۰۱)؛ هماهنگی

در اخلاق و رسوم مردم، مایه امنیت از دشمنی‌ها و کینه‌هاست.

از این فرمایش حضرت چنین برداشت می‌شود که تا جایی آداب و رسوم گذشتگان مخالف شرع نباشد، پاسداشت آن موجب حفظ امنیت فرد خواهد شد. البته باید توجه نمود که فرهنگ غلطی که موجب نابودی عزت و هویت مردمان و نیز مورد پسند دشمنان اسلام باشد باید برچیده شود. لذا زمانی که دهقانان شهر

انبار به استقبال امام، پیاده شده و پیشاپیش مولای متقیان امام علی علیه السلام دویدند، فرمود چرا چنین می‌کنید؟ گفتند: عادت است که پادشاهان خود را احترام می‌کردیم. امام علیه السلام فرمود: به خدا سوگند که امیران شما از این کار سودی نبردند و شما در دنیا خود را به زحمت می‌افکنید (سید رضی، همان، حکمت ۳۷). امروزه نیز آداب پسندیده‌ای وجود دارد که از نیاکان ما به رسیده است و موجب ارتقاء فرهنگ شده است: دید و بازدیدهای عید نوروز، لباس‌های پوشیده سنتی و صدها سنت ایرانی اصیل موجب شده هویت اسلامی ایرانی در برابر شیخون فرهنگی دشمنان مصون باشد.

۷. مصون سازی علوی

حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام همواره با تشویق مردم به رعایت ارزش‌های اخلاقی و نیز تقویت نهاد خانواده و گسترش ازدواج و ارضاء صحیح غرایز و همچنین رشد خودباوری و اعتماد به نفس و نیز برقراری عدالت توانست امنیت فرهنگی جامعه را فراهم آورد و نوعی مصونیت در برابر هجمه‌های فرهنگی ایجاد کند. همچنین امام علیه السلام با مذمت فقر و بیکاری، که از اسباب استحالة فرهنگی است، جامعه اسلامی آن زمان را از خطرات غیرفرهنگی مصون ساخت.

آسیب شناسی امنیت فرهنگی

هر چیزی آفتی دارد که باید آن عامل مخرب و مانع شناخته شده و نقطه آسیب پذیری تشخیص داده شود تا به مبارزه با آن اقدام نمود. حال به آفاتی که امنیت فرهنگی جامعه را به خطر می‌اندازد از منظر نهج البلاغه اشاره می‌کنیم.

۱. ایجاد شبهه و تردید در نظام فرهنگی

انسان‌ها به یک سلسله اصول و آرمان‌ها معتقدند و بنای زندگی خود را نیز بر آن نهاده‌اند و شب و روز خود را با آن سپری می‌کنند، خود را بر مبنای آن اصول و اهداف تنظیم نموده و در مواردی برای حفظ حرمت آن جان خویش را نثار

می‌کنند.

(۳۷)

از جمله عواملی که امنیت فرهنگی جامعه را با خطر جدی رو به رو می‌سازد تردید در اصول و آرمان‌های فرهنگی است. وقتی آرمان‌ها و اصولی که انسان را تا بلندترین قله‌های انسانیت و عزت بالا می‌برد و قادر است تا سیادت و سعادت را برای او از هر جهت فراهم آورد با آفت تردید رو به رو می‌شود، نظام فرهنگی جامعه را به تزلزلی مبتلا می‌سازد که به سادگی نمی‌توان آن را ترمیم کرد. امام علی علیه السلام در تعریف شبهه می‌فرماید:

«شبهه را برای این شبهه نامیدند که به حق شباهت دارد. اما نور هدایت کننده دوستان خدا در شبهات یقین است و راهنمای آنها مسیر هدایت الهی است، اما دشمنان خدا، دعوت کننده‌شان در شبهات گمراهی است و راهنمای آنان کوری است» (سید رضی، خطبه ۳۸).

هرگاه جامعه‌ای شاهد باشد که هویت انسانی، فضیلت اخلاقی، عظمت اجتماعی و ریشه‌های تاریخی خود را که برای پاسداری از آن فداکاری‌ها و از خود گذشتگی‌های فراوانی انجام گرفته، مورد تردید قرار داده‌اند باید بدانند که امنیت فرهنگی او در معرض آسیب جدی قرار گرفته است.

آنچه همواره زمینه‌ساز، حضور جریان سیاسی در جوامع و ملت‌ها گردیده است، ابتدا با ایجاد شبهه پراکنی توأم بوده است. زیرا شبهه فضا را تاریک و مبهم کرده و سپس حرکت عینی و سیاسی صورت می‌گیرد. معاندین امام علی علیه السلام توانستند با ایجاد شبهات فراوان، جامعه را از فیض ولایت امری امامت علی علیه السلام محروم نمایند.

بنابراین در سایه بحران و فقدان امنیت فرهنگی است که فتنه‌ها به راحتی قدرت اظهار وجود پیدا می‌نمایند و حق را در انزوا قرار می‌دهند. آیا تشکیل پرچم‌های قیام و خروج بر علیه امام عصر، در دوران مظلومیت امیرالمؤمنین علی علیه السلام جز از راه شبهات بوده است؟ آیا تشکیل لشکر هزار نفری معاویه در مقابل حضرت علی علیه السلام وصی بلا فصل نبی اکرم صلی الله علیه و آله غیر از تمسک به شبهات بود؟ از این رو است که امام علی علیه السلام در مورد تردید می‌فرماید:

«آن کس که در تردید باشد زیر پای شیطان کوبیده شود» (همان، حکمت ۳۱، ص ۶۳۱).

هرگاه رگه‌های تردید و شک در وجود انسان نفوذ کند شیطان وی را وسوسه نموده و پایه‌های ایمانی او متزلزل شده و با اندک تبلیغ فرهنگ غربی، به سوی آنها متمایل شده و امنیت فرهنگی جامعه به تدریج رو به فنا می‌رود.

امروزه ایجاد شبهه به صورت سازمانی صورت می‌گیرد و نسبت به همه اعتقادات دینی و مذهبی القاء شبهه می‌کنند و برای این کار مراکز تحقیقاتی ایجاد کرده‌اند. چگونه می‌شود دین و حکومت دینی معصوم و غیرمعصوم را از اثر انداخت و خنثی کرد؟ یکی از راه‌های مقابله با دین، توسعه ملکه تردید نسبت به دین است که هدف کلام و فلسفه غرب است در دانشگاه‌های غرب و هدف دین‌شناسی غرب است.

اگر چنین القائاتی در میان مردم مؤثر بیفتد که نظام فرهنگی شما مربوط به قرن‌های گذشته است و امروز کارایی مناسب را ندارد. اگر تبلیغات شوم دشمن مؤثر افتد که پای‌بندی به این اصول فرهنگی نوعی ارتجاع و کهنه پرستی است. اگر القاء شود که دوران سنت‌گرایی گذشته و عصر مدرنیته و پست مدرن را می‌گذرانیم و از این گونه القائات که در جهت تردید نسبت به توانمندی‌های فرهنگی و زیر سؤال بردن افتخارات و عظمت‌های گذشته انجام بگیرد امنیت فرهنگی از آن جامعه رخت برمی‌بندد و خسارت‌های سنگینی بر میراث فرهنگی آن جامعه وارد خواهد شد. این شبهه‌افکنی توسط دشمنان به صورت تدریجی ستون‌های ایمان و یقین ملت را متزلزل می‌سازد. به همین سبب است که در نظام توحیدی اعمال کم همراه با یقین با فضیلت‌تر از عبادت‌های طولانی همراه با شک است. چنانچه مولایمان در نهج‌البلاغه می‌فرماید:

«خوابیدن با یقین، برتر از نماز با شک و تردید است» (سید رضی، همان، حکمت ۹۷، ص ۶۴۵).

متولیان امور و مسؤولان فکری و فرهنگی نظام، به ویژه مردمی که به سرنوشت انسانی خود، مبتنی بر اصول و باورهای فرهنگی می‌اندیشند، باید در

برابر این آفت ویران‌گر، با قوت و قدرت بایستند و نگذارند که خناسان خیانت کار، به شیوه‌ای موریانه وار، اذهان و افکار را نسبت به اصول آرمانی جامعه متزلزل سازند.

۲. تهاجم فرهنگی

از دیگر آسیب‌ها و آفت‌هایی که امنیت فرهنگی را در معرض خطر جدی قرار می‌دهد هجوم‌های همه جانبه فرهنگی بیگانه به باورها، ارزش‌ها، آداب و سنن و اصول اخلاقی جامعه است. بیگانگان برای در هم شکستن ارکان فرهنگی یک ملت، با برنامه‌ریزی‌های دقیق و روش‌های متعدد و کارساز، به حوزه فرهنگی ملت مورد نظر، هجوم می‌برند و آنان را از آن ارزش‌ها به کلی جدا می‌سازند. رهبر اندیشور انقلاب اسلامی، «تهاجم فرهنگی» را این گونه تعریف کرده‌اند: «تهاجم فرهنگی به این معناست که یک مجموعه سیاسی و یا اقتصادی برای اجرای مقاصد خاص خود و اسارت یک ملت، به بنیان‌های فرهنگی آن ملت هجوم می‌برد. در این هجوم باورهای تازه‌ای را به زور و به قصد جایگزینی با فرهنگ و باورهای ملی آن ملت وارد کشور می‌کنند» (فرهنگ و تهاجم فرهنگی، همان، ص ۶۳).

در روزگار امیرمؤمنان علیه السلام نیز ایشان به مقابله علیه تهدیدات فرهنگی یهود برخاست و قصاصی که در مساجد به ذکر داستان‌های یهود و تاریخ و فرهنگ یهود می‌پرداختند برخورد نمود، چنان که در تاریخ آمده است: «إن امیر المؤمنین رأى قاصاً فی المسجد فضربه و طرده» (حر عاملی، ج ۳، ص ۵۱۵؛ الحیة، ج ۱، ص ۳۱۱)؛ امیرالمؤمنین قصه‌گویی را در مسجد دیدند و او را زده و بیرون کردند.

هدف از تهاجم فرهنگی، کنترل فرایند تصمیم‌گیری و شیوه اطلاع‌رسانی و تغییر در نظام ارزش‌هاست که منجر به استیلای سیاسی و اقتصادی آنها می‌شود، بدین ترتیب که «مهاجم فرهنگی» سعی می‌کند با استفاده از برتری اقتصادی، سیاسی، نظامی، اجتماعی و فن‌آوری، به مبانی اندیشه و رفتار یک ملت هجوم

آورد و با تحدید، تضعیف، تحریف و احیاناً نفی و طرد آنها، زمینه حاکمیت اندیشه، ارزش‌ها و رفتارهای مطلوب خویش را فراهم آورد.

بنابراین تهاجم فرهنگی به مفهوم نفی هویت فرهنگی و ملی کشور مورد هجوم، برای برقرار کردن سلطه فکری و فرهنگی از طریق تغییر باورها، رفتارها، روش‌ها و آداب و رسوم زندگی فردی و اجتماعی آن ملت، منطبق با الگوهای فرهنگ مهاجم خواهد بود (دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی، ص ۱).

تهاجم فرهنگی، در حقیقت تهاجم به ریشه‌هاست، لذا از درون، باورها را تخریب می‌کند و نگرش‌ها را تغییر می‌دهد و به جای ارزش‌های تخریب شده باورهای را جایگزین می‌کند که اصول و ارکان فرهنگی مهاجم را تشکیل می‌دهد و از همین راه به استحاله فرهنگی ملت‌ها دست پیدا می‌کند.

امروز فرهنگ مهاجم غرب، که امنیت فرهنگی جوامع مختلف بشری را مورد خطر قرار داده است، در خصوص فرهنگ ملت‌هایی همچون ملت مسلمان ایران، بر محورهای زیر تأکید می‌ورزد:

۱. انسان محوری؛
۲. علم به جای مذهب؛
۳. مادیت به جای معنویت؛
۴. دنیاگرایی در برابر ایمان به آخرت؛
۵. آزادی به جای آزادگی.

این در حالی است که در سرتاسر **نهج‌البلاغه** توحید و خدامحوری اساس بوده و دین و معنویت سعادت بشر را رقم می‌زند و امام زهد و رهایی از قیود دنیا را مکرر بیان نموده است. در تعالیم ایشان اعتقاد این است که تابت‌های داخلی و درونی نشکند بت‌های بیرونی شکسته نخواهد شد و آزادی‌های حقیقی اجتماعی، وقتی تحقق پیدا می‌کند که آزادی‌های درونی تحقق پیدا کرده باشد.

مهم‌ترین شیوه‌های دشمنان اسلام برای ناتوی فرهنگی را می‌توان در موارد ذیل خلاصه نمود:

تضعیف اعتقادات، تحریف گرایش معنوی، طرد الگوها، ایجاد تفرقه قومی،

ترویج فحشاء.

﴿۴۱﴾

از بین فرازهای نهج البلاغه به راحتی می‌توان تزلزل فرهنگی مردمان آن زمان را برداشت کرد. عدم نشر احادیث نبوی در زمان خلفا نوعی طرد الگو و سنت نبوی بود. اشارات امام علیه السلام به مردم کوفه مبنی بر تحریف گرایش معنوی آنان و نیز گسترش قصاص در مساجد و ترویج شراب خواری دال بر این مطلب است.

بسترهای تهاجم فرهنگی

بدیهی است که تهاجم فرهنگی بدون بستر سازی مناسب برای رسیدن به اهداف ممکن نیست. اگر همه لوازم تهاجم فرهنگی فراهم شود، ولی شرایط و بستر مناسب وجود نداشته باشد در واقع همه تلاش‌های قبلی ناکام می‌ماند. از این رو به برخی از مواردی که موجب پذیرش و تقویت فرهنگ مهاجم می‌شود اشاره می‌گردد که می‌توان آن را به دو دسته تقسیم کرد:

۱. بسترها و عوامل بیرونی

زمینه‌ها و ابزارهای که به نحوی رد پای کشورهای خارجی و غربی در آنها دیده می‌شود بسترهای بیرونی هستند از جمله:

الف - تلاش برای دین زدایی از راه‌های مختلف: امام علی علیه السلام با هشدار به ره‌آورد شوم دین‌گریزی می‌فرمود:

«مردم برای اصلاح دنیا چیزی از دین را ترک نمی‌گویند، جز آن که خدا آنان را به چیزی زیان‌بارتر دچار خواهد ساخت» (سید رضی، همان، حکمت ۱۰۶).

ب - ایجاد روحیه خود باختگی فرهنگی: دشمنان فرهنگ ناب اسلامی با ایجاد روحیه خود باختگی و عدم اعتماد به نفس، نوعی وابستگی فرهنگی به دشمن را القاء می‌کنند. مولای متقیان علیه السلام با هشدار به این روحیه ضعیف و نابود شدنی فرمود: «نابود شد کسی که ارزش خود را ندانست» (همان، حکمت ۱۴۹).

ج - جنگ روانی و ترور شخصیت: از دیگر آسیب‌ها، در حوزه فرهنگ که

امنیت و آرامش فکری و فرهنگی افراد را به خطر می‌اندازد جنگ روانی است. همان طور که از معنا و مفهوم این اصطلاح پیداست جنگ روانی با افکار، اعصاب و روحيات، واژه‌ها و اصطلاحات سر و کار دارد.

تعریف جنگ روانی: مفهوم اساسی جنگ روانی عبارت است از دست کاری عقاید از طریق به کارگیری یک یا چند رسانه ارتباطی. (تبلیغات و جنگ روانی (مجموعه مقالات)، پژوهشکده علوم دفاعی، دانشگاه امام حسین علیه السلام، ص ۳).

هدف ترور شخصیت، خارج نمودن قله‌های بلند شایستگی از مسیر خدمت و اثربخشی است که از طریق تهمت زدن و یا به تصویر کشیدن نقاط ضعف آنها صورت می‌پذیرد و در صورتی که نتوانند فردی را ترور فیزیکی کنند، به ترور شخصیت روی می‌آورند. چنان که دسیسه‌های معاویه علیه امام علی علیه السلام، ترور شخصیت امام را به جایی رساند که واعظین بر منبر خود، پس از لعن و سب امام لب به سخن می‌گشودند.

۲. زمینه‌ها و عناصری که ریشه داخلی دارند و عوامل درونی هستند

الف - مشکلات و کاستی‌های اقتصادی و اجتماعی: این مشکلات چنان بستر شیخون فرهنگی را فراهم می‌کند که امام علی علیه السلام از فقر به عنوان مرگ بزرگ یاد می‌کند (ر.ک: نهج البلاغه، حکمت ۱۶۳). بی‌تردید جامعه‌ای که دچار این مشکلات باشد، کشورهایی که از لحاظ اقتصادی و اجتماعی پیشرفته باشند الگوی کورکورانه این جوامع خواهند بود. امروزه نیز دیده می‌شود به دلیل پیشرفت اقتصادی غرب، متأسفانه فرهنگ غربی آنها نیز در جوامع اسلامی نفوذ کرده است.

ب - جهل و ناآگاهی مردم: چنان که امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «عمل کننده بدون آگاهی چون رونده‌ای است که بیراهه می‌رود، پس هر چه شتاب کند از هدفش دورتر می‌ماند و عمل کننده از روی آگاهی، چون رونده‌ای بر راه راست است» (سید رضی، همان، خطبه ۱۵۴، ص ۲۸۵).

ج - هوی و هوس و بدعت گذاری: حضرت علی علیه السلام در کتاب گران قدر نهج البلاغه این دو عامل را به عنوان سرآغاز فتنه‌ها دانسته و فرموده است: «إِنَّمَا بَدَأُ وَقُوعَ الْفِتَنِ أَهْوَاءُ تُتَّبَعُ، وَتَبْتَدِعُ» (همان، خطبه ۵۰)؛ همانا آغاز پدید آمدن فتنه‌ها، هواپرستی و بدعت گذاری در احکام آسمانی است.

۳. التقاط

از آفت‌های بسیار خطرناک فرهنگ‌های بشری، که قدرت تحرک و پویایی آنها را می‌گیرد، آفت «التقاط» و امتزاج حق و باطل است. در آن جا که لباس حق بر اندام باطل پوشیده می‌شود و باطل در لباس حق و باقیافه حقانیت آشکار می‌گردد، «التقاط» انجام گرفته است.

قرآن کریم از این عمل زشت و زیان بار به شدت نهی می‌کند و مروجان و مبلغان فکر و فرهنگ را مورد خطاب قرار می‌دهد و می‌فرماید:

«بر اندام حق لباس باطل نپوشانید تا حق و حقیقت را پنهان سازید، در حالی که شما به حقانیت حق آگاه هستید» (بقره/۴۲).

حضرت علی علیه السلام درباره التقاط و امتزاج حق و باطل و بهره‌گیری از باطل از حق و به خطر افتادن امنیت فرهنگی و فکری جامعه و هم چنین زیان‌هایی که از این طریق بر انسان‌های حق طلب وارد گردیده است سخنان روشن‌گر و فراوانی دارد که در این جا به نمونه زیر بسنده می‌کنیم:

«فلو ان الباطل خلص من مزاج الحق لم يخف على المرتادين، ولو ان الحق خلص من لبس الباطل لا انقطعت عنه ألسن المعاندين، و لكن يؤخذ من هذا ضغث فيمزجان، فهنا لك يستولى الشيطان على أوليائه، و ينجو الذين سبقت لهم من الله الحسنی» (سید رضی، خطبه ۵۰، ص ۱۲۸)؛ پس اگر باطل با حق درآمیخته و مخلوط نمی‌شد، حق بر حق جویان و حقیقت طلبان پوشیده نمی‌گردید و نیز اگر حق از پوشش باطل آزاد شود زبان معاندان و بدخواهان از بدگویی قطع می‌گردد و لیکن بخشی از حق و بخشی از باطل گرفته و درهم آمیخته می‌شوند،

پس در چنین شرایطی شیطان بر دوستان خود مسلط می‌شود و کسانی که عنایت خداوند شامل حالشان گردیده است از چنین شرایط شبهه ناک و گمراه کننده نجات پیدا می‌کنند.

از لحاظ تاریخی، حرکت‌های التقاطی مربوط به دوره و زمان خاص نیست. این گونه حرکت‌های مخرب، همیشه بوده و از این به بعد هم خواهد بود. در هر کجا که فکر و اندیشه‌ای ظهور پیدا می‌کند بر رهبران و سردمداران آن اندیشه است که به التقاط، به عنوان یکی از آفت‌ها و آسیب‌های فکری حساسیت ویژه داشته باشند. قرآن ناطق، مولا امیر مؤمنان علیه السلام با بیان این که دین خدا کامل است و نیاز به تکمیل کردن با مکاتب و عقائد دیگر ندارد فرمود:

«آیا خدای سبحان، دین ناقصی فرستاده و در تکمیل آن از آنها استمداد کرده است؟ آیا آنها شرکاء خدایند که هر چه می‌خواهند در احکام دین بگویند؟ و خدا رضایت دهد؟» (همان، خطبه ۱۸، ص ۶۳).

انقلاب اسلامی ایران که در این مقطع زمانی به وجود آمد و توسط رهبر کبیر این نهضت، حضرت امام خمینی رحمه الله رهبری شد، با توجه به محتوای فرهنگی و اعتقادی این انقلاب، آن رهبر بیدار دل، در خصوص آفات فرهنگی و به ویژه حرکت‌های التقاطی، بارها و بارها، با تعبیرهای مختلف حساسیت خویش را نشان داده و خطر این آفت را به جامعه اسلامی و انقلابی گوشزد فرموده‌اند. او به کسانی که برای پیشبرد اهداف خود دست به التقاط می‌زنند هشدار می‌دهد که چنین روش‌هایی خیانت به اسلام محسوب می‌گردد:

«طلاب علوم دینی و دانشگاه‌ها باید دقیقاً روی مبانی اسلامی مطالعه کنند و شعارهای گروه‌های منحرف را کنار گذاشته و اسلام عزیز راستین را جایگزین تمام کج‌اندیشی‌ها نمایند. این دو دسته باید بدانند اسلام خود مکتبی است غنی که هرگز احتیاجی به ضمیمه کردن بعضی از مکاتب به آن نیست و همه باید بدانند که التقاطی فکر کردن خیانتی بزرگ به اسلام و مسلمین است که نتیجه و ثمره تلخ این نوع تفکر در سال‌های آینده روشن می‌شود. با کمال تأسف گاهی دیده می‌شود که به علت عدم درک صحیح و دقیق مسائل اسلامی، بعضی از این

مسائل را با مسائل مارکسیستی مخلوط کرده‌اند و معجونی به وجود آورده‌اند که به هیچ وجه با قوانین مترقی اسلام سازگار نیست» (خمینی رحمته الله علیه، صحیفه نور، چاپ اول، ۱۳۶۹، ج ۱۲، ص ۲۳).

شهید مطهری رحمته الله علیه از دیگر پیشگامان مبارزه و مقابله با التقاط بود که به عنوان نگهبانی هوشیار و مرزبانی بیدار، در برابر اندیشه‌های التقاطی ایستاد و با سلاح بیان و برهان، قلم و قرآن، طبل رسوایی این گروه مهاجم به حوزه عقیده و ایمان را به صدا درآورد و در نهایت خود با سرافرازی و عزت در این میدان به شهادت رسید. او در این مورد می‌گوید:

«اگر قرار شود به اسم اسلام، یک مکتب التقاطی درست شود و دشمنان این باشد که از هر جایی چیزی اخذ کنیم، یک چیزی از مارکسیسم بگیریم، یک چیز از اگزیستانسیالیسم بگیریم و چیز دیگر از سوسیالیسم بگیریم و از اسلام هم چیزهایی داخل کنیم و از مجموع این‌ها آش شله قلمکاری درست کنیم، بگوییم این است اسلام، ممکن است مردم در ابتدا این امر را بپذیرند، زیرا در کوتاه مدت شاید بشود حقیقت را پنهان کرد، ولی این امر برای همیشه مکتوم نمی‌ماند» (مطهری، پیرامون انقلاب اسلامی، چاپ نهم، صدر، ۱۳۷۲، صص ۵۱ و ۵۲).

آن عالم دردمند و شهید ارجمند در فرازی دیگر از سخنان خود می‌فرماید:

«من به عنوان یک فرد مسؤول به مسؤولیت الهی، به رهبران عظیم‌الشان نهضت اسلامی که برای همه‌شان احترام فراوان قائلم هشدار می‌دهم و بین خود و خدای متعال اتمام حجت می‌کنم که نفوذ اندیشه‌های بیگانه به نام اندیشه اسلامی و با مارک اسلامی، اعم از آن که از روی سوء نیت و یا عدم سوء نیت صورت گیرد خطری است که کیان اسلام را تهدید می‌کند» (مطهری، چاپ ۱۲، ۱۳۶۸، ص ۸۹).

۴. عدم شایستگی سران حکومت‌ها

شکی نیست که قدرت و هیأت حاکمه در یک جامعه تأثیر چشم‌گیری بر ایجاد امنیت فرهنگی آن جامعه دارد. اگر حکمرانان مقید و مطیع ارزش‌های دینی

جامعه خود باشند؛ به دوام و گسترش فرهنگ دینی کمک بسزایی می‌نمایند و اگر فاسد و بی‌لیاقت باشند، صدمات جبران ناپذیری بر فرهنگ و ذخایر مادی و معنوی جامعه وارد و عامل بحرانی در عرصه فرهنگ می‌شوند. به همین دلیل دشمن از طریق حکام وابسته و فاسد خیلی سریع‌تر می‌تواند به مسخ فرهنگ دینی و جایگزین کردن فرهنگ مورد نظر خود دست یازد.

امام علی (علیه السلام) در کلامی از کلمات شیرین خویش وظیفه حاکم را این گونه تبیین می‌فرماید:

«ان احق الناس بهذ الامر اقواهم عليه و اعلمهم بامر الله فيه فان شغب شاغب استعبت» (سید رضی، همان، خطبه ۱۷۳)؛ سزاوارترین اشخاص به خلافت (حکومت) آن کسی است که در تحقق حکومت نیرومند و در آگاهی از فرمان خدا داناتر باشد تا اگر آشوب‌گری به فتنه‌انگیزی برخیزد به حق بازگردانده شود. هرگاه عده‌ای از دشمنان داخلی و یا خارجی بکوشند تا فضای آرام جامعه را ناآرام نمایند، اعتقادات مردم را متزلزل کنند، اذهان مردم را آشفته نمایند. در پی استحاله فرهنگی، وارونه کردن ارزش‌ها و مسخ فرهنگی برآیند، در این صورت، زمامدار و کارگزاران نظام وظیفه دارند که در برابر این تهدید و ناامنی فرهنگی ایستادگی نمایند، تا امنیت فرهنگی برقرار گردد.

امام علی (علیه السلام) آن گاه که باخبر شده بود که معاویه گروهی را به مکه گسیل داشته است، تا در موسم حج، اذهان مردم را متشتت کنند و امنیت فرهنگی مردم را سلب نمایند، نامه‌ای به فرماندارش در مکه، «قثم بن عباس» نوشت تا این حرکت معاویه را خنثی نماید.

حضرت در این نامه چنین نوشت:

«اما بعد، مأمور اطلاعاتی من در مغرب (شام) برایم نوشته و مرا باخبر کرده است که گروهی از مردم «شام» به سوی مکه و برای حج گسیل شده‌اند، گروهی کوردل، ناشنوا و کوردیده که حق را با باطل مشوب می‌سازند، و در طریق نافرمانی خالق از مخلوق اطاعت می‌کنند، با دادن دین خود، شیر از پستان دنیا می‌دوشند و آخرت را که در انتظار نیکان و پاکان است، به متاع این دنیا

می‌فروشد، در حالی که هر کار نیک نتیجه‌اش عاید عامل آن می‌شود؛ و جزای شر جز به فاعلش نمی‌رسد. بنابراین، در این مورد آن چه در اختیار داری سخت قیام کن. قیام شخصی دوراندیش و نیرومند، قیام شخصی عاقل و نصیحت کننده، قیام کسی که از سلطان خویش اطاعت می‌کند و مطیع فرمان امام و پیشوای خویش می‌باشد» (سید رضی، همان، نامه ۳۳).

امام علی علیه السلام، در مورد استقرار و دوام امنیت فرهنگی، کوشید تا عوامل استحاله فرهنگی را به مسلمانان بشناساند و آنان را از ارتکاب آن بازدارد.

۵. رفاه طلبی و دنیازدگی

القاء روحیه رفاه طلبی و دنیاگرایی یکی از محورهای اصلی بحران در امنیت فرهنگی جوامع است. دشمن برای سست کردن عقاید و اصول فرهنگ جوامع مستقل به خصوص کشورهای اسلامی طرح‌های مختلف و متنوعی را پی‌ریزی می‌کند.

یکی از عوامل فرهنگی، که باعث موفقیت و توسعه دین و وحدت پیروانش می‌شود، تأکید بر عدم وابستگی و دلبستگی مسلمانان به زخارف دنیوی و هواهای نفسانی است که این امر باعث می‌شود که دل‌های آنان همواره متوجه خدا بوده و خدا محور اصلی وحدت برای همه باشد و از طرفی عدم دلبستگی به مادیات دنیا باعث دوام روحیه دین‌مداری در امت اسلامی خواهد شد که در این صورت هیچ قدرتی را یارای غلبه بر امت اسلامی نخواهد بود. برای اولین بار این حرکت شوم با نیت تخلیه و استحاله روحی و معنوی جوانان مسلمان در اندلس (اسپانیای فعلی) به آزمایش گذاشته شد که متأسفانه نتیجه مثبتی را برای دشمن به ارمغان آورد. آنها به راحتی توانستند از طریق بدحجابی و وسایل عیش و نوش دیگر عوامل نفسانی جوانان را به کاباره کشانده، کم‌کم ملت مسلمان اندلس را از روحیه جهاد و دنیاگریزی تخلیه کنند و در گام بعدی به راحتی، جلو گسترش و نفوذ اسلام را در آن منطقه بگیرند. امام علی علیه السلام این منفذ ورودی دشمن را بیان کرده و سفارش می‌نماید که:

«فلا تكونوا انصاب الفتن و اعلام البدع و الزموا ما عقد عليه حبل الجماعة...» (سید رضی، خطبه ۱۵۲)؛ سعی کنید که شما پرچم فتنه‌ها و نشانه‌های بدعت نباشید و آنچه را که پیوند امت اسلامی بدان استوار و پایه‌های طاعت بر آن پایدار است بر خود لازم بشمارید... لقمه‌های حرام به شکم خود راه ندهید. شما برابر دیدگان خداوندی قرار دارید که گناهان را حرام کرد و راه اطاعت و بندگی را آسان فرمود.

مولی الموحدين حضرت علی عليه السلام با اشاره به این که هر کس به چیزی عشق ناروا ورزد خواهش‌های نفس پرده عقل او را می‌درد و دوستی دنیا دل را می‌میراند. در ادامه می‌فرماید: «شیفته بی‌اختیار دنیا و برده آن است و برده کسانی که چیزی از دنیا در دست دارند» (سید رضی، خطبه ۱۰۹، ص ۲۰۵). به روشنی از این مطلب می‌توان استنباط کرد که شیفتگان دنیا اسیر و برده دنیا زدگانند که این امر سبب استحاله فرهنگی فرد نیاززده خواهد شد.

در جای دیگر امام عليه السلام با مذمت و نکوهش دنیای حرام و با اشاره به آرزوهای فریبنده دنیا می‌فرماید:

«دنیای حرام چونان مار است، که پوستی نرم و زهری کشنده دارد پس از جاذبه‌های فریبنده آن روی گردان، زیرا که زمان کوتاهی در آن خواهی ماند» (همان، نامه ۶۸، ص ۶۰۹).

نتیجه‌گیری

با تکیه بر آنچه گذشت، براساس تعالیم روح بخش کتاب **نهج البلاغه** می‌توان این چنین نتیجه گرفت که در صورت افزایش آگاهی و بصیرت و ایمان و دین باوری مردم و نیز گسترش روحیه امر به معروف و نهی از منکر و تولی و تبری و الگوپذیری دینی و پاسداشت سنت‌های صحیح گذشتگان و همچنین ارضاء صحیح غریزه جنسی و نیز برقراری عدالت و رفع بیکاری و فقر، می‌توان زمینه‌های تحقق امنیت فرهنگی را فراهم کرد. در مقابل با مبارزه علیه شبهه افکنی و تهاجم فرهنگی و نیز التقاط و رفاه طلبی و حاکمان نالایق، می‌توان موانع

رسیدن به امنیت فرهنگی را از میان برداشت.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. آشنا، حسام الدین و اسماعیلی، محمد صادق (۱۳۸۸)، «امنیت فرهنگی؛ مفهومی فراسوی امنیت ملی و امنیت انسانی»، فصلنامه راهبرد فرهنگ، شماره ۵.
۴. افتخاری، اصغر (۱۳۸۷)، قدرت نرم، «فرهنگ و امنیت (مجموعه مقالات)»، تهران، نشر دانشگاه امام صادق (ع) و پژوهشگاه مطالعات و تحقیقات بسیج.
۵. باقری، سیامک و یوسفی (۱۳۸۸)، «چیستی تهدید نرم»، مجموعه مقالات همایش امنیت نرم (امنیت نرم در جمهوری اسلامی ایران)، دانشکده امام هادی (ع)، چاپ اول.
۶. تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۷۸)، غررالحکم و دررالحکم، ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، چاپ دوم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۷. جعفری، محمد تقی (۱۳۸۶)، فرهنگ پیرو فرهنگ پیشرو، قم، مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
۸. جهان بزرگی، احمد (۱۳۸۸)، «امنیت در نظام سیاسی اسلام (اصول و مؤلفه‌ها)»، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۹. خمینی (ره)، روح الله (۱۳۶۹)، صحیفه نور، ج ۱۲، تهران، انتشارات سروش، چاپ اول.
۱۰. دهقانی فیروزآبادی، سید جلال (۱۳۸۳)، «طرح خاورمیانه بزرگ و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال هفتم، شماره سوم.
۱۱. رشاد، علی اکبر (۱۳۸۵)، دانشنامه امام علی (ع)، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ سوم.
۱۲. سخنان مقام معظم رهبری (۱۳۷۵)، فرهنگ و تهاجم فرهنگی، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی، چاپ چهارم.
۱۳. شیخ حر عاملی (۱۴۱۲ق)، وسائل الشیعه، قم، چاپ اول.
۱۴. صالحی امیری، سید رضا و نادری افسر افشاری (۱۳۹۰)، «مبانی نظری و راهبردی مدیریت ارتقاء امنیت اجتماعی و فرهنگی در تهران»، فصلنامه راهبرد، شماره ۵۹.
۱۵. علی اکبری، حسن (۱۳۷۵)، تهاجم فرهنگی از دیدگاه آیات، روایات و فقه، چاپ صفا، چاپ اول.
۱۶. فراتی، عبدالوهاب (بی تا)، «درآمدی بر ریشه‌های انقلاب اسلامی (مجموعه مقالات)»، ناشر معاونت امور اساتید و دروس معارف.
۱۷. کلینی، محمد (۱۳۸۵)، اصول کافی، ترجمه صادق حسن زاده، تهران، انتشارات قائم آل محمد (ع)، چاپ دوم.

۱۸. گل محمدی، احمد (۱۳۸۱)، *جهانی شدن، فرهنگ و هویت*، تهران، نشر نی.
۱۹. لاریجانی، علی و ملکی تبار، مجید (۱۳۸۶)، «بررسی راهبردی - امنیتی تأثیرات ماهواره بر باورهای جوانان»، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، سال هشتم، شماره ۲۹.
۲۰. مجلسی، محمد باقر (۱۳۷۲)، *بحار الانوار*، تهران، انتشارات اسلامیه، چاپ سوم.
۲۱. مستقیمی، بهرام (۱۳۶۵)، «نقش روابط فرهنگی در سیاست خارجی»، اطلاعات سیاسی، ۳۱ اردیبهشت.
۲۲. مطهری، مرتضی (۱۳۷۲)، *پیرامون انقلاب اسلامی*، چاپ نهم، انتشارات صدرا.
۲۳. مطهری، مرتضی (۱۳۶۸)، *نهضت‌های اسلامی در صد سال اخیر*، انتشارات صدرا، چاپ دوازدهم.
۲۴. ملکی، حسن (۱۳۸۶)، «مهندسی فرهنگی از طریق آموزش‌های رسمی»، مجموعه مقالات اولین همایش ملی مهندسی فرهنگی بخش مفهوم‌شناسی و ابعاد مهندسی فرهنگی، جلد اول، تهران، انتشارات اداره کل روابط عمومی و اطلاع رسانی دبیرخانه شورای انقلاب فرهنگی.
۲۵. معادیخواه، عبدالمجید (۱۳۷۲)، *فرهنگ آفتاب (فرهنگ تفضیلی مفاهیم نهج‌البلاغه)*، تهران، نشر ذره.
۲۶. نیک زاد، عباس (۱۳۸۱)، «دین و امنیت»، دومانه‌نامه رواق اندیشه، شماره ۱۵.
۲۷. هرنجی، منصور (۱۳۹۰)، *ابزارهای تهاجم فرهنگی و راههای مقابله با آن*، انتشارات موج، چاپ اول.
۲۸. ولی پور زرومی، سید حسین (۱۳۷۶)، «سیر تحول در مقوله و ملاحظات امنیت ج.ا.ا.»، تهران، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی.
۲۹. آشوری، داریوش (بی‌تا)، *دانشنامه سیاسی*، تهران، مروارید، چاپ سوم.
۳۰. محمدی، علی (۱۳۸۱)، «نگاهی به مفهوم امنیت در جهان امروز»، جام جم، مورخ ۸۱/۸/۳۰.
۳۱. میرزایی، منصور، «شیخون فرهنگی»، تبریز، نشر احرار، صص ۴۲ و ۴۳.